

# سیاست ترامپ؛ تحریم و تجارت

نگار شیوا

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آمریکا



خود را پنهان کنند. هیچکس نمیتواند صدای خنده های رهبران دنیا به جملات ترامپ در سازمان ملل، یا خشم جهانیان از جدا کردن کودکان از والدین در مرز آمریکا-مکزیک را از یاد ببرد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم آمریکایی ها شروع به استفاده از ابزار تحریم برای اصلاح رفتار کشورها کردند. مردمان خیلی از کشورها از بازی های سیاسی واشنگتن ضربات جبران ناپذیری خورده اند. آمریکایی که خود هزاران سلاح هسته ای انبار کرده، به طور سلیقه ای کشور های دیگر را از داشتن این سلاح ها حتی با هدف پیشگیری از حمله منع میکند. از دیگر اهداف ایالات متحده ترویج نظام کاپیتالیستی در دنیاست و با تحریم کشورهای مثل کوبا درصدد هستند کاپیتالیسم را به عنوان تنها سیستم موفق اقتصادی معرفی کنند. با آنکه تحقیق های بیشتری توسط اندیشمندان در باب کم اثر بودن تحریم ها منتشر شده است، آمریکا همچنان بر این روش پافشاری میکند.

از دیگر بهانه های آمریکا برای تحریم کشورها میتوان به نقض حقوق بشر اشاره کرد. این هدف در ظاهر والا و شریف وقتی با دقت دیگری بررسی میشود، همیشه به منافع آمریکا برمیگردد. اگر هدف آمریکا واقعا دفاع از حقوق بشر بود و نه دسترسی به منابع نفتی و جلوگیری از ترویج کمونیسم، چرا از دیکتاتور هایی همچون مباسوگو، ادیس دبی، حسین حبری و موبوتو سال ها حمایت کرده و میکند؟

شاید انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده بتواند آغازی برای پایان رهبری مطلق آمریکا در دهه های آینده باشد. آمار نشان میدهد جنگ تجاری آمریکا

با چین میتواند در بلند مدت به ضرر تجارت آمریکایی ها باشد و چین این جنگ تجاری را توفیقی اجباری میبیند که میتواند باعث استقلال این کشور از تکنولوژی آمریکا شود. اینترنت باعث شده مردم جهان اخبار را از منابع مختلف بشوند و سلطه آمریکا بر روی رسانه های دنیا رو به افول است. این رسانه ها توجه مردم را به تناقض ها در رفتار این کشور جلب کرده است و باعث

به چالش کشیدن ایده استثنانگرایی آمریکایی شده است. در مقاله پیش رو تاریخچه ای کوتاه از تحریم در عرصه سیاست بین الملل ارائه شده و پس از آن تاثیر میلیاردی های آمریکایی بر خروج ترامپ از برجام به صورت اجمالی بررسی شده است.

## تاریخچه ای از روند تکاملی تحریم ها

۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، زمانی که یونانی ها مردم مگارا را از ورود به بازار آتن منع کردند، اولین تحریم یادشده در تاریخ است. پس از آن در قرن نوزدهم نوع جدیدی از تحریم در عرصه سیاسی جهان بدعت نهاده شد. در سال ۱۸۲۷، هنگامی که یونانیان در پی استقلال یافتن از دولت عثمانی (ترکیه امروزی) بودند. نیروهای بریتانیایی، روسی و فرانسوی به سواحل یونان اعزام شدند تا از تسلط نیروهای ترک و مصری جلوگیری کنند. چیزی که از آن به عنوان محاصره مسالمت آمیز یاد میکنند. محاصره مسالمت آمیز گونه ای از تحریم بود که در آن دوران رایج بود. به این صورت که یک یا چند کشور، بنادر مهم کشور هدف را محاصره میکردند و از عبور و مرور کشتیهای تجاری به بنادر آن کشور جلوگیری میکردند. محاصره مذکور

حدود یک سال پیش در چنین روزهایی دونالد ترامپ حکم خروج از برجام را امضا نمود و پس از آن ایالات متحده آمریکا رسماً از برجام خارج شد. برجام تنها قرارداد بین المللی نبود که ترامپ تصمیم به پاره کردن گرفت. از دیگر اقدام های این رئیس جمهور ناسیونالیست خروج از پیمان پاریس و پیمان تجاری اقیانوس آرام، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، و تهدید به خروج از سازمان تجارت جهانی و ناتو است.

تأثیر تصمیم ترامپ بر اقتصاد ایران قابل انکار نیست، صعود قیمت دلار زندگی را برای ایرانی ها قطعاً سخت تر از سال های پیش کرده است. ولی باید توجه داشت که این تصمیم شمشیری دولبه بوده. همکاری نکردن یاران دیرین آمریکا با ترامپ برای مذاکره ی دوباره با ایران، و حتی تلاش آن ها برای انتقال پول به ایران بدون دخالت ایالات متحده همه نشان از تغییری در نقش این کشور به عنوان رهبر دنیا دارد. افزایش محبوبیت کریپتوکارنسی ها میتواند در دهه های آینده به حکمرانی آمریکا بر سیستم های انتقال پول دنیا پایان دهد. آمریکایی هایی که همیشه با وجود اختلافات داخلی بسیار در زمینه سیاست خارجی متحد رفتار میکردند، از بعد از انتخاب ترامپ دیگر نتوانستند آشفته گی های سیاسی موجود در سیستم

در ابتدا مسالمت آمیز بود، اما پس از آن که یکی از کشتی‌ها شروع به شلیک میکند، نبرد خونبار آغاز میشود و در طی زمان چهار ساعت، هفت هزار نیرو کشته میشوند. کشور های قدرتمند اسلحه ای کم هزینه برای مقابله با سایر کشور ها پیدا کرده بودند. از سال ۱۸۲۱ تا آغاز جنگ جهانی اول، ۲۱ محاصره مسالمت آمیز اتفاق افتاد که اکثر آن توسط کشور های قدرتمند اروپایی علیه کشور های کوچکتر اروپایی، یا کشور های ضعیف تر آمریکای جنوبی و آسیا برقرار شده بود.

بعد از جنگ جهانی اول و با تشکیل جامعه ملل (یا مجمع اتفاق ملل)، این سازمان بر اساس ماده ۶ اساسنامه خود میتواندست کشور هایی را که از روش های صلح آمیز برای رفع اختلافات استفاده نمیکردند را مورد تحریم قرار دهد. جامعه ملل جمعاً چهار بار از این ماده استفاده کرد، مشهور ترین تحریم جامعه

دفتر کنترل سرمایه های خارجی (OFAC)، تحت نظر وزارت خزانه داری آمریکا، مسئول اعمال تحریم علیه دولت ها، سازمان ها، و اشخاص غیر آمریکایی است. این اداره در سال ۱۹۵۰ در طول ریاست جمهوری هری ترومن ایجاد شد تا جلوی دخالت چین در جنگ کره را بگیرد. اوفک بر اساس روابط آمریکا با دیگر کشورها، اقدامات تروریستی و دیگر تهدیدها به امنیت ملی ایالات متحده تحریم وضع میکند.

تحریم های اوفک به دو بخش کلی تقسیم میشوند: تحریم های جامع و تحریم های هدفمند.

تحریم جامع به معنی پایان تمامی معاملات اعم از صادرات، واردات، نقل و انتقالات مالی، انتقال تکنولوژی و هرگونه تجارت بین شهروندان آمریکایی و کشور هدف است.

تحریم های هدفمند افراد، شرکت ها و یا اعمال خاصی را مورد تحریم قرار میدهد. به عنوان مثال، یک تحریم هدفمند میتواند



به معنی قطع تجارت الماس بین آمریکا و یک کشور دیگر باشد. یا میتواند آمریکایی ها را از تجارت با افراد خاصی بازدارد و اگر آمریکا از حکومتی حمایت نکند، آن ها میتوانند حمایت کنندگان از آن حکومت را تحریم کنند.

علاوه بر وضع تحریم، اوفک مسئولیت اجرای آن را هم برعهده دارد و همچنین میتواند به بعضی کشور ها معافیت از تحریم بدهد. یک مثال معافیت هند از ممنوعیت خرید نفت ایران در چند ماه اخیر است.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بود که رسماً وارد صحنه بین المللی شد. در دهه های بعد از جنگ، ایالات متحده تلاش کرد تا از ترویج ایده های کمونیستی به هر نحوی که شده جلوگیری کند. این کشور در بعضی موارد با تحریم جلوی پیشرفت کمونیست ها را میگرفت و بعضی وقت ها از طریق جنگ. بعد از جنگ ویتنام و ضدیت افکار عمومی نسبت به

ملل در سال ۱۹۳۵-۳۶ رخ داد، زمانی که ایتالیا تیوپی را مورد حمله قرار داد، جامعه ملل و بریتانیا، ایتالیا را تحریم کردند که به دلیل همراه نشدن سایر کشورها، این تحریم شکست خورد. بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، این سازمان اجازه تحریم و در مواردی حمله نظامی به کشور ها را در ماده های ۴۱، ۴۲، ۴۳، و ۴۶ منشور خود و همچنین قطعنامه ۳۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل (قطعنامه اتحاد برای صلح) جای داد.

بین سال های ۱۹۴۶ و ۱۹۹۰، سازمان ملل فقط پنج بار از قدرت خود برای تحریم کشور ها استفاده کرد، ولی در دهه های اخیر فعالانه تر کشور هایی که از نظرش برهم زننده نظم جهانی هستند را تحریم میکند.

آمریکا و سیاست تحریم

جنگ، آمریکا بیشتر علاقه مند به استفاده از ابزار تحریم شده تا سایر کشورها رفتار دلخواه این حکومت از خود نشان دهند. بین سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۸، ۱۱۷ بار کشورها همدیگر را تحریم تجاری کردند و بیش از دو سوم این دفعات ایالات متحده آمریکا یا خود مسئول آن تحریم ها بوده و یا دیگر کشورها را در تحریم اقتصادی یک کشور همراهی کرده است.

بر اساس اطلاعات درج شده در وبگاه وزارت خزانه داری آمریکا، در حال حاضر کشورها و مناطق زیر مورد تحریم های اقتصادی ایالات متحده قرار گرفته اند:

زیمباوه، روسیه، ایران، کره شمالی، ونزوئلا، کوبا، لبنان، سوریه، بلاروس، حوزه بالکان، نیکاراگوئه، یمن، سودان، سومالی، اریتره، سودان جنوبی، کنگو، شبه جزیره کریمه، عراق، میانمار، لیبی، جمهوری آفریقای مرکزی، و بوروندی.

تحریم های اصلی آمریکا متوجه کشور های بالا هستند و به علت چند شاخگی و پیچیده بودن این تحریم ها نمی توان کل افراد سازمان ها و کشور هایی که تحریم شده اند را یک جا جمع کرد. آمریکا به شش دلیل اصلی تحریم علیه کشورها وضع میکنند،

۱. اقدامات تروریستی و تامین مالی تروریست ها
۲. قاچاق مواد مخدر
۳. نقض حقوق بشر
۴. گسترش جنگ افزار های هسته ای
۵. نقض قرارداد های بین المللی
۶. پولشویی

در لیست فهرست هویت های تحریمی آمریکا (Specially Designated Nationals and Blocked Persons) اسامی ۶۲۰۰ فرد و شرکت تحریمی قرار دارد.

تغییر سیاست آمریکا در قبال برجام: نگاهی به اسرائیلی های تاثیرگذار بر دولت ترامپ

نتیجه تحقیقی توسط موسسه اقتصاد بین الملل در سال ۱۹۹۷ نشان میدهد تحریم های یک جانبه از سوی ایالات متحده فقط ۱۳ درصد مواقع اهداف سیاست خارجی این کشور را محقق میکند و بین ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار در صادرات به آمریکا ضرر میزند. وقتی از کشوری مانند آمریکا با نظام سرمایه داری که هدفش صرفا سودآوری بیشتر است و تنها خط قرمز به خطر افتادن سیستم سرمایه داری است حرف میزنیم، شاید صرف چنین وقت و هزینه ای برای ایران و خروج از توافقی که سالها برای موفقیت آن تلاش کردند عجیب به نظر برسد. برای درک بهتر این موضوع لازم است فعل و انفعالات سیاسی داخل آمریکا بررسی دقیق تری شود.

هنگام بحث راجع به تحریم های ایالات متحده و این حجم از بازی های رسانه ای برای همراه کردن افکار عمومی با سیاست های ضد ایرانی، نمیتوان نقش پرنس اسرائیل را انکار کرد. آشکار است که در آمریکا پول و سرمایه حرف اول را میزند، پس برای درک سیاست دولت ترامپ و انگیزه اش برای خروج از برجام بهتر است نگاهی به حمایت کنندگان مالی او در طول انتخابات ۲۰۱۶ بیندازیم.

سه نفر از افراد اصلی که به کمپین دونالد ترامپ پول اهدا کرده اند، شلدون ادلسون، برنارد مارکوس و پال سینگر، از طرفداران سرسخت اسرائیل هستند. ادلسون و مارکوس هر دو از اعضای هیئت مدیره لابی Republican Jewish Coalition هستند، گروهی که هدفش برقرار کردن ارتباط بیشتر بین آمریکایی های یهودی و جمهوری خواهان و از مخالفان سرسخت برجام است. با توجه به سیاست های اخیر رئیس جمهور آمریکا در رابطه با اسرائیل و فلسطین میتوان نتیجه گرفت این دو فرد سود زیادی از سرمایه گذاری روی دونالد ترامپ به دست آورده اند.

شلدون ادلسون از بزرگترین میلیاردرهای آمریکا در طول انتخابات، بزرگترین طرفدار جمهوری خواهان و دونالد ترامپ بود و همراه با همسرش ۳۵ میلیون دلار به کمپین های تبلیغاتی ترامپ اهدا کردند. آن ها همچنین ۲۰ میلیون دلار به سوپرپک Congressional





Leadership Fund (کمیته اقدام سیاسی که به نفع نامزد های جمهوری خواه خانه نمایندگان تبلیغات انجام میدهد) و ۳۵ میلیون دلار به سوپرپک Senate Leadership Fund (همان کمیته برای نامزدان سنا) کمک کردند. ترامپ در اولین سخنرانی اش در سازمان ملل از لزوم همکاری اروپایی ها برای مذاکره ای دوباره با ایران سخن گفت. بر اساس گزارش پولوتیکو، این جملات توسط جان بولتون به وی گفته شده بود.

جان بولتون که اکنون مشاور امنیت ملی ایالات متحده هست از لاس وگاس با ترامپ تماس گرفته بود. بولتون به لاس وگاس رفته بود تا ادلسون را ملاقات کند و این تماس تلفنی باعث

شد ترامپ تهدیدش راجع به برجام را به سخنرانی از پیش نوشته شده اش اضافه کند. یکی از نامزد های ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، نیوت گینگریچ، میگوید دغدغه اصلی ادلسون اسرائیل است. ادلسون تندیرویی را به جایی رسانده است که حرف از استفاده از بمب هسته ای علیه ایران میزند. یک هفته بعد از اینکه ترامپ اعلام کرد میخواهد از برجام خارج شود، ادلسون به پنج نفر از نمایندگان جمهوری خواه ضد برجام برای انتخابات میان دوره ای سال گذشته کنگره پول اهدا کرد. نفر دومی که بیشترین کمک مالی را به سوپرپک هایی که مسئول تبلیغات برای ترامپ بودند کرد برنارد مارکوس است، کارآفرین میلیاردر و مدیر عامل شرکت هوم دیپو. مارکوس هفت میلیون دلار به سوپرپک های طرفدار ترامپ کمک کرد، پانصد هزار دلار به سوپرپک Congressional Leadership Fund و دو میلیون دلار به Senate Leadership Fund. مارکوس در سال ۲۰۱۵ در مصاحبه ای با شبکه فاکس برجام را معامله با شیطان دانسته بود.

ادلسون و مارکوس هر دو از طرفداران سرسخت بنیاد دفاع از دموکراسی ( Foundation for Defense of Democracies ) هستند. یکی از تمرکز های اصلی این اندیشکده نومحافظه کار کشور ایران است. در سال ۲۰۱۱ که تنش ها بین ایران و اسرائیل شدت گرفته بود ادلسون ۱,۵ میلیون دلار و مارکوس ۱۰,۷ میلیون دلار به FDD کمک کردند.

نفر سوم، پال سینگر میلیاردر که او هم در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۳,۶ میلیون دلار به FDD اهدا کرد. سینگر تا بعد از انتخاب شدن ترامپ برای ریاست جمهوری به او کمکی نکرد ولی برای جشن ادای سوگند او ۱ میلیون دلار کمک کرد.

روی هم رفته این سه نفر بیش از چهل میلیون دلار به تبلیغات به نفع دونالد ترامپ کمک کرده اند. این سه نفر منبع ۴۴ میلیون پولی بودند که صرف انتخاب اعضای خانه نمایندگان شد و مسئول ۴۷ میلیون بود که صرف انتخاب نمایندگانی در سنا شد.

به نظر میرسد سرمایه گذاری این میلیاردر های آمریکایی دوستدار اسرائیل نتیجه بخش بوده است و اسرائیل به هدف

خود که منزوی کردن بیشتر و بیشتر ایران است رسیده باشد. برنی سندرز سناتور آمریکایی یکی از افرادی بود که مرتباً در کمپین انتخاباتی خود از اهدای پول میلیاردی ها به نامزد های ریاست جمهوری نقد میکرد و ادعا میکرد عده ای میتوانند سیاستمداران را به این طریق بخرند. دو سال از ریاست جمهوری دونالد ترامپ گذشته است و او کم کم دارد تمام خواسته های نتانیاهو را اجرا میکند. اقدام اخیر ترامپ در تروریستی اعلام کردن سپاه باعث شد نتانیاهو مستقیماً از ترامپ برای جامه عمل پوشاندن به یکی دیگر از خواسته هایش تشکر کند.

یکی از انتقاد های اساسی به سیستم حکومتی آمریکا همین است که از رئیس جمهور گرفته تا نمایندگان سنا و خانه نمایندگان بر اساس پولی که به آن ها اهدا شده است سیاست خود را میچینند. نمایندگان خود اذعان دارند که ۷۰ درصد وقت خود در دفتر را صرف تماس با اهداکنندگان پول در ایالت خود میکنند و از آن ها درخواست میکنند که به کمپین آن ها کمک کنند. اگر این نمایندگان بر خلاف خواسته افراد پولدار ایالت خود قوانین تصویب کنند، در دور بعدی انتخابات از رقبای آنان پشتیبانی میشود و این افراد خیلی راحت از صحنه کنار گذاشته می شوند.

دلایل خروج ترامپ از برجام را نمیتوان صرفاً به خواسته حمایت کنندگان مالی او تقلیل داد. خود ترامپ نفرتی عجیب نسبت به هر موفقیتی که باراک اوباما در دوره هشت ساله ریاست جمهوری خود داشته است دارد و یکی از اهدافش این است که آثار مدیریت اوباما را از بین ببرد. چه چیزی بهتر از بزرگترین موفقیت اوباما در سیاست خارجه اش؟ ترامپ حاضر شد تنش با دوستان دیرینه اروپایی را به جان بخرد ولی از برجام خارج شود.

قطعا عوامل دیگری هم در تصمیم ترامپ دخیل بوده اند و لازم است از جنبه های دیگر نیز این موضوع بررسی شود. باید صبر کرد و دید که آیا آمریکایی ها دوباره دونالد ترامپ را به ریاست جمهوری برمی گزینند یا ایرانیان میتوانند با دو سال صبر تا انتخابات بعدی دوباره از فواید قرارداد بین المللی برجام بهره ببرند.